روایت

نامه‌ای به ارباب قدیمی‌ام

اشتباهاتی که شما و پدرانتان درباره ما و پدرانمان روا داشته‌اید

منبع: positivelook.net | برگردان: مجتبی پارسا

اشاره: «برده داری» فصل سیاهی از تاریخ پشریت است. این شیوه از زیست سالیان سال در کشورهای مختلف رواج داشته و گروه زیادی از انسان‌ها به‌عنوان برده، از هیچ حقی برخوردار نبوده‌اند. صاحبان بردگان حتی حق داشتند بردگان خود را بکشند و جانشان را بستانند. این روند در سال ۱۸۶۵ میلادی در ایالات متحده آمریکا (به‌عنوان یکی از کانون‌های برده‌داری) در زمان ریاست‌جمهوری ابراهام لینکلن پایان یافت. جریان از این قرار است که بعد از پیروزی آبراهام لینکلن در انتخابات ۱۸۶۰ با اضافه‌شدن متمم سیزدهم قانون اساسی در دسامبر ۱۸۶۵، برده‌داری در ایالات متحده رسما غیرقانونی اعلام شد و بیانیه‌ای به نام «بیانیه رهایی» درباره این موضوع صادر و منتشر شد.

در آگوست ۱۸۶۵، کلنل پاتریک هنری اندرسون، صاحب مزرعه‌ای در شهر بیگ‌اسپرینگ (Big Spring) در ایالت تنسی (Tennessee) به برده قدیمی‌اش، جردن اندرسون (Jourdon Anderson)، نامه‌ای نوشت و از او خواست که به محل کارش که مزرعه کلنل اندرسون بود، بازگردد. جردن که بعد از بیانیه رهایی، آزاد شده بود، با خانواده‌اش به ایالت اوهایو نقل مکان کرده و در آنجا شغلی با دستمزد نسبتا خوب پیدا کرده بود و حالا از خانواده‌اش حمایت می‌کرد. جردن به نامه ارباب قدیمی‌اش، کلنل پ.هـ.اندرسون، پاسخ فوق‌العاده‌ای داد:

شهر دیتون، ایالت اوهایو، ۷ آگوست ۱۸۶۵

به ارباب قدیمی‌ام، کلنل پ.هـ.اندرسون، بیگ‌اسپرینگ، تنسی

آقا امن نامه شما را دریافت کردم و بسیار خوشحالم از این که شما هنوز جردن را فراموش نکرده و از من خواسته‌اید تا به آنجا بازگردم و دوباره با شما زندگی کنم و به من قول داده‌اید که بیش از همه می‌خواهید به من کمک کنید. من اغلب در مورد شما احساس اضطراب کرده‌ام. گمان می‌کردم به خاطر پناه دادن ربس (Rebs) در خانه‌تان، بانگی‌ها خیلی بیش‌تر شما را به دار آویخته باشند. فکر نمی‌کنم رفتن شما به خانه کلنل مارتین برای کشتن سرباز اتحادیه که توسط گروهانش در اصطبل‌شان رها شده بود، هیچ‌وقت به گوش‌شان رسیده باشد. اگرچه پیش از آن که شما را ترک کنم، دو بار به من شلیک کردید، با این حال راضی نیستم آزاری به شما برسد و از این بابت که هنوز زنده‌اید، خوشحالم. برای من هم بسیار خوشحال‌کننده است که دوباره به خانه دوست داشتنی قدیمی‌ام بازگردم و بانو ماری و بانو مارتا و الن، استر، لی و گرین را ببینم. به همه آنها بگویید که عاشقشان هستم و اگر در این جهان نتوانستم، امیدوارم که با همه آنها در جهان بهتر ملاقات کنم. در طول مدتی که در بیمارستان نشویل (Nashville) مرکز ایالت تنسی، کار می‌کردم، می‌خواستم بازگردم و همه شما را ببینم؛ اما یکی از همسایه‌ها به من گفت که شما اگر کوچک‌ترین فرصتی داشتید، به من شلیک می‌کردید.

می‌خواهم بدانم دقیقا چه فرصت مناسبی را می‌خواهید به من پیشنهاد دهید. من در اینجا شرایط نسبتا خوبی دارم. غیر از غذا و لباس و خانه‌ای راحت برای مَندی (همسرم)، بابت کارم در هر ماه، ۲۵ دلار دریافت می‌کنم. مردم، مَندی را خانم اندرسون صدا می‌زنند؛ بچه‌ها، میلی، جین و گراندی به مدرسه می‌روند و درس‌هایشان را به خوبی فرا می‌گیرند. معلم‌شان می‌گوید گراندی استعداد خوبی برای واعظ (مبلغ مذهبی) شدن دارد. آنها به مدرسه مذهبی[1] می‌روند؛ من و مَندی نیز به‌طور منظم به کلیسا می‌رویم. آنها رفتار مهربانانه‌ای با ما دارند. گاهی وقت‌ها صدایشان را می‌شنویم که می‌گویند: «آن سیاهپوست‌ها، در تنسی، برده بودند». بچه‌ها از شنیدن چنین سخنانی، اذیت می‌شوند؛ اما من به آنها می‌گویم در تنسی، متعلق بودن به کلنل اندرسون، خفت‌بار نبوده است. بسیاری از سیاهان از این که شما را ارباب صدا می‌زنند، احساس غرور می‌کردند؛ آنچنان که من همچنین احساسی داشتم. حالا اگر شما بنویسید و بگویید که چه دستمزدی و اجرتی را برای من در نظر گرفته‌اید، من بهتر می‌توانم تصمیم بگیرم که آیا باز گشت من به سودم خواهد بود یا نه.

با توجه به آزادی من که شما نیز تأیید کردید که می‌توانم آن را داشته باشم، هیچ چیز دیگری نیست که بتوانم آن را به‌دست بیاورم، آنچنان که برگه آزادی‌ام را در سال ۱۸۶۴ از آقای مارشال، شهردار ارشد حوزه، دریافت کردم. با این حال، مَندی می‌گوید از باز گشت به «بیگ‌اسپرینگ» می‌ترسد، مگر این که مدارکی وجود داشته باشد که نشان دهد شما با ما رفتار عادلانه و مهربانانه‌ای خواهید داشت. به همین دلیل ما به این نتیجه رسیدیم که خلوص و صداقت شما را در مورد حرف‌هایتان با این درخواست، محک بزنیم که دستمزد سال‌هایی که به شما خدمت کردیم را برابر ایمان بفرستید. این باعث می‌شود که اتفاقات گذشته را بخشیم و فراموش کنیم و به انصاف و عدل شما و دوستی من در آینده، اعتماد کنیم. من به شما ۳۲ سال، صادقانه خدمت کردم و مَندی نیز ۲۰ سال به شما خدمت کرد. بابد نظر گرفتن دستمزد ۲۵ دلار در ماه برای من و ۲ دلار در هفته برای مَندی، حساب ما ۱۱ هزار و ۶۸۰ دلار خواهد شد. سود این پول را برای تمام مدتی که دست شما بود به آن اضافه کنید و همه آنچه که خرج لباس‌هایمان کرده‌اید و هزینه ۳ بار ویزیت دکتری که برای من آمده بود و هزینه کشیدن یکی از دندان‌های مَندی و تتمه حساب‌ها را از آن پول کم کنید.

این کار، رفتار عادلانه شما برای آنچه که ما محق آن هستیم را نشان می‌دهد. لطفا پول را توسط (پست) آدمز اکسپرس، به نشانی اوهایو، دیتون، به نام آقای «و. وینترز» بفرستید. اگر شما از پرداخت دستمزد خدمت صادقانه گذشته، امساک کنید، ما نمی‌توانیم اعتماد زیادی به سخنان و قول هایی که بابت آینده به ما داده‌اید، داشته باشیم. ما به خالق مهربانی اعتماد داریم که چشم‌های شما را بر اشتباهاتی که شما و پدرانتان بر من و پدران من، روا داشته‌اید، باز کرد. زحمت و رنجی که به خاطر شما برما رفت و بدون هیچ غرامت یا جبرانی، نصیب‌مان ادامه داشت.

من در اینجا دستمزدم را هر شنبه شب دریافت می‌کنم؛ اما در تنسی، هیچ گاه هیچ دستمزدی برای سیاهان، بیش از آنچه که به اسب‌ها و گاوها داده می‌شد، وجود نداشت. قطعا روز «حسابی» خواهد بود برای همه آن کسانی که این کارگر رنج دیده را برای آنچه که مزدش بود، فریب دادند.

برای پاسخ به این نامه، لطفا بگویید که شرایط آنجا برای «میلی» و «جین» که الان، هردو، دختران بالغ و زیبایی شده‌اند، من است یا نه. حتما به خاطر داری که چقدر آنجا برای «ماتیلدا» و «کاترین»، شرایط ناامنی بود. من حاضرم اینجا بمانم و از قحطی و گرسنگی (اگر قرار باشد قحطی بیاید) بمیرم، اما دخترانم را به خاطر بی‌حرمتی و شرارت اربابان جوانشان، شرمسار و سرافکنده نبینم

همچنین لطفا این موضوع را هم بگویید که آیا در آن حوالی، مدارسی وجود دارند که به بچه‌های سیاهپوست اجازه تحصیل بدهند یا نه؟ اکنون، بزرگترین آرزوی زندگی من این است که فرزندانم، برخوردار از سواد و تحصیلات باشند و زندگی فضیلتمند و پرهیزگارانه‌ای تشکیل دهند. سلام مرا به «جورج کارتر» برسانید و از طرف من، بابت گرفتن اسلحه‌تان، زمانی که می‌خواستید به من شلیک کنید، از او تشکر کنید.

از طرف خدمتکار قدیمی‌تان،
جردن اندرسون.

پانوشت:

۱- کلاس‌های مدرسه مذهبی، در روزهای تعطیل (یکشنبه)، در کلیسا برگزار می‌شود و در آن کلاس، به بچه‌ها، تعلیمات دینی و مذهبی داده می‌شود.

امروز با مولانا

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش
باز جوید روزگار وصل خویش
من به هر جمعیتی نالان شدم
جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم
هرکسی از ظن خود شد یار من
از درون من نجست اسرار من

برش

زندگی جدید

| جورج اورول |

دورتی تنها دختر کشیش در یکی از شهرهای کوچک انگلستان است که زندگی کسالت‌باری را می‌گذراند. او وظایف زیادی در کلیسا و خانه به‌عهده دارد، پدر سختگیری داشته و تمایلی به ازدواج نیز ندارد. روزی به‌طور ناگهانی حافظه‌اش را از دست می‌دهد و خود را در لندن می‌یابد و وقتی بعد از یک‌ماه حافظه‌اش باز می‌گردد به‌قدری شایعات مختلف در مورد او ساخته شده که پدرش او را در خانه نمی‌پذیرد و دورتی وارد زندگی جدیدی می‌شود.

برشی از کتاب «دختر کشیش»

یک خبر | یک نگاه

تخت‌ها برای قربانیان سوختگی جا ندارد

رئیس چهارمین همایش کشوری سوختگی، درباره آمار بالای اسید سوزی در کشور هشدار داد و گفت: ۶۰ درصد سوختگی‌ها در کشور با مواد جوشان اتفاق می‌افتد. وقتی در آشپزخانه یک زن روستایی، تنها یک چراغ و قابلمه باشد، چنین حوادثی نیز رخ می‌دهد. فرهاد حافظی با اعلام این که تعداد تخت‌های سوختگی در کشور در مقایسه با جمعیتی که داریم، کم است، گفت: در ۴۰ سال گذشته، تعداد تخت‌های سوختگی تغییر زیادی نکرده، در حالی که جمعیت کشورمان چند برابر شده است. او با انتقاد از این که مراکز درمانی دولتی و دانشگاهی زیر بار ایجاد بخش سوختگی نمی‌روند، گفت: ما برای داشتن درمان استاندارد سوختگی در کشور، نیاز داریم که برای ایجاد بخش‌های سوختگی مجهز و استاندارد فضا داشته باشیم. حافظی در ادامه گفت: متاسفانه خودسوزی و اسید سوزی نیز در کشور ما زیاد است و یکی از بالاترین آمارهای جهانی را در ارتباط با اسیدسوزی داریم. متاسفانه بدترین نوع سوختگی، اسیدسوزی است که غیرقابل بازگشت است.

در راستای اتفاقات اخیر و اسیدپاشی‌هایی که اتفاق افتاده شاید بد نباشد که مسئولان برای این بخش در حوزه درمان فکری کنند و با گسترش این بخش لااقل امید کسانی که قربانی این اتفاق وحشتناک می‌شوند را بالا ببرند. جدا از انتقام‌گیری‌های شخصی که منجر به اسیدسوزی افرادی بی‌گناه می‌شود، رعایت نکردن ایمنی و ناآگاهی درباره مواد اسیدی باعث شده تا این ماده خطرناک هر روز آمار سوختگی را در کشور بالا ببرد.

شاتر

بافت فرسوده یاسوج

دورستای «کریک» و «زیرتا» زیلایی از توابع بویراحمد در استان کهگیلویه و بویراحمد هستند که به‌دلیل قدمت بناهای روستا مجوز نوسازی و بازسازی به ساکنان داده نمی‌شود.

عکس: داوود ابزدپناه

آگهی تجدید مناقصه عمومی شماره ۹۳/۱۱۵۵۶

سازمان انتقال خون ایران در نظر دارد طی تجدید مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای، سرویس، نگهداری و پشتیبانی سخت افزارها، نرم‌افزارها، شبکه و اتاق سرور (WAN-LAN) خود را به شرکت‌های دارای صلاحیت و دارای حداقل رتبه ۲ (از یک الی ۲) از شورای عالی انفورماتیک را در زمینه خدمات پشتیبانی و کسب حداقل رتبه ۳ در زمینه شبکه و به شماره ۲۰۰۹۳۳۰۰۰۰۰۰۰۴۲ از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت واگذار نماید.

لازم به ذکر است کلیه مراحل برگزاری تجدید مناقصه از دریافت اسناد تجدید مناقصه تا ارائه پیشنهاد تجدید مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.Setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است تجدید مناقصه‌گران در صورت عدم‌عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. به پیشنهادهای واصله خارج از درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ترتیب اثر داده نخواهد شد.

پیشنهاددهندگان موظف می‌باشند اسناد تجدید مناقصه شامل شرایط عمومی و اختصاصی را حداکثر تا تاریخ ۹۳/۱۲/۰۷ از طریق سامانه ستاد به آدرس WWW.Setadiran.ir دریافت و با توجه به مندرجات اسناد تجدید مناقصه، مدارک لازم را شامل پاکات الف، ب و ج تهیه و به روش آموزشی بصورت فایل‌های PDF تا تاریخ ۹۳/۱۲/۱۷ در سامانه فوق درج و رسید دریافت نمایند.

پیشنهادهای واصله راس ساعت ۱۰ صبح مورخ ۹۳/۱۲/۲۰ در کمیسیون تجدید مناقصه به نشانی سازمان انتقال خون ایران واقع در تقاطع بزرگراههای شیخ فضل‌اله نوری و شهید همت بلوک A در دفتر معاونت توسعه مدیریت و منابع سازمان بررسی و نتیجه متعاقبا اعلام خواهد شد.

ضمانتنامه شرکت در تجدید مناقصه (وجه التزام) ۱۶۲/۰۰۰/۰۰۰ و یا حداقل معادل ۵ درصد مبلغ پیشنهادی ارائه شده توسط تجدید مناقصه‌گر و بصورت ضمانتنامه بانکی صادره از یکی از بانکهای معتبر و رسمی کشور دارای اعتبار تا تاریخ ۹۴/۰۳/۲۰ قابل تمدید یا وجه نقد واریز شده به حساب ۴۰۰۱۰۳۴۲۰۶۳۷۱۵۶۹ بنام سپرده جاری نزد بانک مرکزی کد ۵۰ قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی ایران می‌باشد و شرکتها موظف به تحویل ضمانتنامه مذکور تا تاریخ ۹۳/۱۲/۱۷ در پاکت لاک و مهر شده به نشانی مذکور بلوک C واحد امور قراردادها و دریافت رسید می‌باشند.

جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید با شماره ۸۲۰۵۲۱۸۸ واحد امور قراردادها و جهت انجام مراحل عضویت در سامانه با مرکز تماس سامانه به شماره ۲۷۳۱۳۱۳۱ و دفتر ثبت‌نام ۸۸۹۶۹۷۳۷ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی سازمان انتقال خون ایران

۲۲۵۸/الف/م

فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله ای تأمین کالا
شماره ۰۸۷/ت ک آ ج /۹۳
شماره مجوز: ۱۱۶۲-۱۳۹۳

نوبت دوم

شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری در نظر دارد از طریق مناقصه عمومی دو مرحله ای کالای مشروحه ذیل را از طریق شرکت های تأمین کننده داخلی خریداری نماید:

۱-شرح مختصر کالای مورد نیاز: خرید تعداد ۱۴۳ ست قطعات کمپرسورهای هوای اطلس کوپکو
P/F:ATLAS COPCO AIR COMPERESSOR TYPE:ZT145

محل تحویل کالا: شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری - اداره تدارکات و امور کالا

۲- نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ضمانتنامه بانکی به مبلغ ۱۸۳/۲۰۰/۰۰۰ ریال

۳- شرایط متقاضی: توانایی ارائه تضمین شرکت در مناقصه و تضمین انجام تعهدات قرارداد طبق ضوابط جاری شرکت ملی نفت ایران، داشتن شخصیت حقیقی/حقوقی ، شماره اقتصادی، توانایی مالی، ارائه سوابق کاری و همچنین مدارک و گواهینامه های مرتبط و متناسب با موضوع مناقصه.

متقاضیان می توانند پس از انتشار آگهی نوبت دوم با مراجعه حضوری و یا پایگاه اطلاع رسانی زیر نسبت به تهیه و تکمیل اطلاعات مورد نیاز اقدام نموده و تقاضای کتبی خود را به همراه مدارک درخواستی حداکثر ظرف مدت ۱۴ روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم جهت ارزیابی کیفی و بررسی صلاحیت تأمین کنندگان در ارتباط با موضوع مناقصه به آدرس مناقصه گزار تسلیم نمایند.

شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری پس از بررسی اسناد و مدارک واصله و ارزیابی کیفی مناقصه گران طبق قانون برگزاری مناقصات از شرکت های واجد شرایط جهت شرکت در مناقصه دعوت بعمل خواهد آورد. ضمناً ارائه مدارک و سوابق هیچگونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد و این شرکت در رد یا قبول پیشنهادات در چارچوب قانون برگزاری مناقصات مختار است.

آدرس پایگاه اطلاع رسانی: http://agogpc.nisoc.ir بخش مناقصه ها ، مزایده ها

آدرس: استان خوزستان - شهرستان امیدیه - بلوار نفت - شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری/اداره تدارکات و امور کالا ، فاکس: ۰۶۱۵۲۶۲۲۶۸۳ تلفن: ۰۶۱۵۲۶۲۳۴۹۲

روابط عمومی شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری